

ان الله يامر بالعدل والاحسان

عبادت بجز خدمت خلق نیست

بنام خداوند وجدان نه عقل - که فرمان دهد مردمان را به عدل
مدیران چو بر عدل باشند و مهر - جهان می شود چون بهشت پر ز مهر
زان مزد کار می نرسد مر تو را که تو - پیوسته در کار عدالت نه ای گه گهی
هر که را دیدی در خدمت به خلق - یا پیامبر هست او یا دوستدار خلق
عدالت ز وجدان برآید نه عقل - ستم ریشه دارد چو شیطان در عقل
عقل خودخواه گاه چیره گه نگون - عقل حق خواه ایمن از ریب المنون

iran.somee.com/din.htm

از خدا بخواهید یعنی از خود بخواهید

ای آنکه تو طالب ز خدایی ز خود خواه - از خود بطلب کز تو جدا نیست خدا
اول ز خود خواه چون ز خود خواهی بخدا - اقرار نمایی به دانایی خدا
وجدان نشانه وجود خداوند در انسان است. اگر وجدان را در خود تقویت نکنیم خداوند از ما دور خواهد شد.
پیامبران با تقویت وجدان در خود خداوند را در وجود خود وسعت دادند و خداوند نیز آنها را از طریق وجدان و
اتصال بسیار قوی شأن به خدا، به پیامبری مبعوث کرد.
عدالت ز وجدان برآید نه عقل - ستم ریشه دارد چو شیطان در عقل
عدالت اولین و آخرین فرمان خداوند در قرآن است. سایر فرمانها و دستورات مانند احسان و مهربانی ذیل
فرمان عدالت معنا پیدا می کنند و تعبیر و تفسیر می شوند.

ان الله يامر بالعدل والاحسان

خدایا تو گفتی که عدل خواهی و یار - محمد ص فراخواند ما را به کار
خدایا چنان کن سرانجام کار - تو خشنود باشی و ما رستگار
در مکتب تشیع نیز امام زمان ع برای احیای عدالت در آخرالزمان ظهور خواهند کرد. من از بعضی
مسلمانان تعجب می کنم که قرآن را می خوانند و در عین حال ظلم هم می کنند. عدالت را درست درک نمی
کنند و اگر درک می کنند خود را مقید و متعهد به آن نمی دانند و یا اینکه عدالت را اساساً فرمان خدا و وجدانی
نمی دانند و عمل و رفتار غیرخدایی و غیرحق و غیروجدانی که ظلم است را انجام می دهند. از سوی دیگر از
آدمهایی هم تعجب می کنم که با اینکه به اندازه کافی پولدار و ثروتمند اند باز هم دنبال کلاهبرداری و دزدی از
این و آنند، مثل ترامپ !

جمهوری الهی جهان و مسئولیت ما

سعدی ره بعد از پیامبران و امامان بزرگوار شیعه همانند همه اولیاء الله و حکما و عرفا بنظر من یک
سوسیالیست الهی بوده چون به صراحت گفته «عبادت بجز خدمت خلق نیست». من فکر می کنم مسئولیت
مدیران و خواص در کشور ما امروز باید همین مرام «بندگی» و «خدمت به خلق»، مردم دوستی و
سوسیالیستی جناب سعدی باشد. مرام سوسیالیسم الهی، «خدمت به خلق» و عدالت و مهرورزی مرام
حضرت ولیعصر عج هم هست چون ایشان برای همین هدف قیام خواهند کرد. این مرام «سوسیالیسم الهی»
مرام همه بزرگان و قهرمانان ملی تاریخ ما از جمله دکتر محمد مصدق، دکتر علی شریعتی و سردار قاسم
سلیمانی و سایر قهرمانان ملی و معاصر هم بوده است. به امید :

«جمهوری الهی جهان»

Universal Divine Republic

نکته مهم و دقیق این است که در اسلام مردمی (سوسیالیستی) منافع و مصالح ملی و مردمی مد نظر مسلمان
قرار می گیرد و برایش اولویت پیدا می کند. اما در اسلام شخصی و غیرمردمی (لیبرالیستی) یا خودپرستانه

(آمریکایی) منافع و مصالح خود برای شخص لیبرالیست در اولویت قرار میگیرد. مسلمان اصولاً چون تسلیم خدا، حقیقت و عدالت است مردم‌گرا و دولت دوست می شود. چون دولت اسلامی را نماینده و جانشین پیامبر و خدا می داند و اساساً مورد قبول و باور مردم است. در خصوص تفاوت اسلام سوسیالیستی با اسلام لیبرالیستی نقطه نظرات دقیق و ظریفی وجود دارد که شرح و جزییات آن را در مقاله «اقتصاد لیبرالیستی تورم را» آورده ام.

زندگی اجتماعی بصورت طبیعی ایجاب میکرد که گروه‌ها و احزاب با تفکر و فرهنگ و دین (ایدئولوژی) های خاصی شکل بگیرد و هر کدام از احزاب «ارزشهای اخلاقی، فرهنگی و قومی» خاصی برای خود بوجود آوردند. اما این ارزش‌ها و فرهنگها هیچکدام باعث نشد که ظلم و ستم قدرتمندان بر اقشار ضعیف جامعه بکلی از بین برود. برعکس، ادیان روز بروز آداب قوی برای نظام برده داری و ظلم و ستم بر ضعیفان درست می کردند. حتا پیامبران هم نتوانستند با آموزه ها و دستورات و نصایح خود انسانهای ظالم و قدرتمند را متقاعد کنند که دست از ظلم و جور خود نسبت به مردم ضعیف بردارند. در زمان پیامبر اکرم ظلم و ستم قبيله ها نسبت به یکدیگر به اوج خود رسیده بود. «محمد ص» چاره کار را در آن دید که یک حزب اخلاقی وجدانی از طرف خدا تشکیل دهد و مردم را دعوت به ثبت نام و پذیرش در این حزب نمود و نام حزب را هم «حزب الله» گذاشت. حزب الله مرامنامه و قانون اساسی (ایدئولوژی) بسیار کامل و زیبایی بنام «قرآن» منتشر کرد و بسیاری از فرهیختگان و مظلومان و ستم‌دیدگان آن زمان به این حزب اخلاقی خدایی گرویدند. ایدئولوژی اسلام شامل دو بخش فکری اصولی و پایه (راهبرد) و افکار راهکار (اصول دین) است. افکار راهبردی، ایمانی و ثابت هستند اما افکار راهکاری (فروع دین) متغیر و سیال اند که متناسب با شرایط زمانی و مکانی تغییر و اصلاح می شوند.

پیامبر نام اعضای این حزب را «مسلمان» یعنی «تسلیم شدگان خدا، عدالت و حقیقت» نامید. حزب الله فعالیت های جذب مسلمان را آغاز کرد و بزودی جمعیت زیادی مسلمانان اعلام و اعلان وجود کردند. پیامبر مخالفان حزب الله و اسلام را که از ظالمان بودند «کافر» نامید یعنی ظالمینی که فرمان عدالت و مهرورزی خداوند و حزب الله را نمی پذیرند و علیه مظلومان و حزب الله می جنگند. خیلی زود ظالمین و کافران مکه شکست خوردند و تمدن اسلامی آغاز گردید. تمدن اخلاقی اسلامی قرن ها وجود داشت و تقریباً همه جهان را فراگرفت. دانشمندان بسیار عرفا و حکیمان و ادیبان و شعرای فراوانی ظهور کردند و ارزشهای اخلاقی و سیاسی و اجتماعی را به اوج رساندند. مسیحیت اما که آن نیز یک مکتب اخلاقی الهی بود توسط کلیسا به فساد و تباهی کشیده شد و اروپاییان علیه کلیسا قیام کردند و کلا با رنسانس علمی و علوم تجربی زیراب مسیحیت را زدند. به تبع آن تمدن اسلامی هم رو به افول رفت. و تمدن غرب با دو مکتب لیبرالیسم و سوسیالیسم به میدان آمد و تمدن غربی و دموکراسی و حقوق بشر را بوجود آورد که محور آن نه اخلاق بلکه علوم تجربی و ذهنی مانند ریاضیات بود. تمدن غربی برخلاف تمدن اسلامی که اخلاق محور و حکیمانه و عرفانی بود، با پرده دری اخلاقی و بی حیایی و ادبیات و هنر بی حیایی آغاز گردید و مکتب لیبرالیسم و خودخواهی و بقول خودشان اومانیزم و زیاده خواهی های جسمی و جنسی و آزادی های فردی و ولنگاری و پول پرستی و سرمایه داری آغاز گردید. بعد ها برای جلوگیری از ظلم و ستم و هرج و مرج لیبرالیست های افراطی مکتب سوسیالیسم را هم ساختند تا با آن بتوانند تا حدودی از افراط کاری ها و تباهی ها و فساد های آن بکاهند و نام نیولیبرالیسم را برای تمدن نوین خود انتخاب کردند.

همه ادیان، به ویژه اسلام، در بنیان های خود بر مردم گرایی، عدالت خواهی و روحیه ای سوسیالیستی تأکید دارند. با این حال، این آموزه ها در دولت انقلابی ایران عمدتاً در عرصه اخلاق و سیاست مورد توجه قرار گرفته و در حوزه اقتصادی، به گونه ای عملی و جدی نادیده انگاشته شده اند. متأسفانه در عمل، به ویژه در جامعه ایران و در عملکرد دولت، رویکردی لیبرالیستی – و حتی گاه افراطی و آشکارا ناعادلانه – حاکم بوده است. این امر موجب گردیده تا جامعه با پیامدهای مشابه جوامع سرمایه داری لیبرال، از جمله شکاف عمیق طبقاتی، فقر گسترده و فساد سیستماتیک، روبرو شود.

پس از سال‌ها و متحمل شدن آسیب‌های اجتماعی شدید – که تحریم‌های ظالمانه و خصمانه قدرت‌های خارجی نیز بر دامنه آن افزود – نگرشی انتقادی نسبت به این نقیصه ساختاری در نظام اقتصادی شکل گرفته است. این آگاهی، دولت را بر آن داشته تا اصلاحاتی هرچند جزئی در مدیریت اقتصادی آغاز نماید و در صدد همسو کردن سیاست‌های اقتصادی با همان مبانی عدالت‌خواهانه و اخلاقی برآید. البته این مسیری دشوار و طولانی پیش رو است.

یکی از موانع اصلی در این راه، برداشت نادرست و رایج از مفهوم سوسیالیسم است که آن را معادل کمونیسم و بی‌دینی می‌پندارد. این تصور غلط، نه تنها در میان بخشی از روحانیون، که در بین قشرهای گسترده‌ای از مردم، بازاریان و تجار نیز وجود دارد و موجب مخالفت ذهنی با این مفهوم شده است. همین درک نادرست، سبب گردید پس از انقلاب، اقتصاد به سمت لیبرالیسم افراطی متمایل شود و همچنین زمینه را برای تأثیرپذیری بیشتر از تحریم‌ها و فشارهای خارجی فراهم آورد.

امید است که با ژرف‌اندیشی بیشتر، جامعه روحانیت، نخبگان دینی و به تبع آن دولت و مردم ایران، درک کنند که درمان ریشه‌ای معضلاتی چون فقر، فساد و آسیب‌های اجتماعی، در گرو استقرار یک نظام اقتصادی عادلانه و مردم‌گرا – که میتوان آن را «**اقتصاد سوسیالیستی برآمده از مبانی اسلامی**» نامید – است و راه دیگری برای برون‌رفت از این چالش‌های عمیق وجود ندارد. **تشیع** ادامه حزب الله است در تاریخ تمدن اسلامی که با زعامت و رهبری امامان بزرگوار شیعه اصول حیاتی اسلام و **تشیع** را بر **توحید، نبوت، عدل، امامت، چ و معاد** قرار داد که همه در **عدالت** خلاصه می‌شود و در واقع مهم‌ترین ما به ازای زمینی آن **عدالت اقتصادی** است. پیامبران و محمد ص آمدند که عدالت بشر را که خراب بود درست کنند. اما آیا عدالت بشر درست شد؟ مردانی چون **علی علیه السلام** به عنوان خلیفه و جانشین راستین پیامبر تا که خواستند عدالت مردم را درست کنند و محرومان و مظلومان را به حق و حقوق طبیعی و خدادادی خود برسانند. مخالفان و ظالمان **لیبرالیست** شروع به مخالفت و سنگ اندازی کردند. جنگ و برادرکشی راه انداختند. و هنوز که هنوز است بعد از ۱۴۰۰ سال عدالت مردم درست نشده است چون قدرتمندان **لیبرالیست** اکثراً ظالم و حيله گر و رانت خوار هستند و نمی‌خواهند که عدالت بشر درست شود. چین و روسیه با **سوسیالیسم** سکولار (غیر الهی) توانسته‌اند تا حدود زیادی عدالت مردم خودشان را درست کنند ولی ایرانیان هنوز اندر خم یک کوچه اند. انشاءالله **جمهوری اسلامی ایران** بتواند با الگو گرفتن از چین و روسیه سوسیالیستی مسأله عدالت اقتصادی خودش را درست کند. دولت در جمهوری اسلامی و به تبع آن استانداری‌ها و شهرداری‌ها باید همانند یک موسسه خیریه ملی عمل کنند تا بتوان آن را اسلامی و عادلانه و سوسیالیستی دانست. و این فرق اساسی یک دولت اسلامی است با یک دولت لیبرالیستی غربی. و نکته آخر اینکه تا زمانی که مردم ایران و البته قبل از مردم، دولت جمهوری اسلامی ایران به **عدالت** (سوسیالیسم) ایمان کامل نیاورند و عملاً آثار این ایمان در جای جای نهاد های ملی و دولتی آشکار نشود **امام زمان علیه السلام** ظهور نخواهند کرد.

بیماری لیبرالیسم و غرب زدگی

اساساً انسان از نظر عقلی و اخلاقی بیمار به دنیا می‌آید. بیماری خودخواهی (لیبرالیسم) بیماری ذاتی انسان و حیوانات است. علت **بیماری لیبرالیسم** در انسان از علاقه شدید او به مالکیت ناشی می‌شود که در شیوه رفتار، اخلاق و مدیریت سیاسی و اجتماعی او تأثیر گذار است. این بیماری مدرن از مدیریت غربی به مدیران (**خواص**) ایران سرایت کرده و آنها را مبتلا کرده است. راه درمان و معالجه آن هم خوشبختانه وجود دارد که عدالت و **سوسیالیسم** است. مدیران **لیبرالیست** تا این دارو را مصرف نکنند و دوره نقاهت را هم طی نکنند بهبودی حاصل نمی‌شود. **لیبرالیسم** دردی است غیر **مهر-داد** کان را دوا نباشد/ پس من چگونه گویم کین درد را دوا کن؟ **مهر-داد** دستور خداوند است به همه مسلمانان و بویژه **مدیران مسلمان**: **ان الله یامر بالعدل**

والاحسان

اما انسانها و به اصطلاح **عوام** هم در ارتباطات خود با همدیگر دچار بیماری های دیگر و آگیردار جسمی و روانی و فرهنگی دیگری می‌گردند که اگر قبلاً واکسینه نشده باشند مبتلا شده و بیمار می‌شوند. «**بیماری**

غریزدگی» یک نوع بیماری فرهنگی است که متأسفانه بخشی از ایرانیان بدلیل واکسینه نبودن امروز به آن مبتلا شده اند. باید برای معالجه آن شیوه ای مناسب ابداع کرد. همچنین برای جلوگیری از ابتلا به این بیماری لازم است «**واکسن خاص**» و موثری برای آن تولید و مورد استفاده قرار داد تا مردم و جوانان اصیل ایرانی در ارتباطات خود به فرهنگ غرب و بیماری غریزدگی آلوده نشود. لذا همانند سایر بیماری های واکسینه ای لازم است کلیه جوانان و نوجوانان ایرانی در سنین کودکی و نوجوانی و در دبستان و دبیرستان از این واکسن استفاده و در مقابل این بیماری واکسینه شوند. **لیبرالیسم**، فرهنگ خودخواهی و منیت و تکبر و شیطان صفتی را نهادینه و مدون کرده و آن را در جوامع شرقی و مخصوصاً اسلام گسترش داده بطوریکه اغلب مسلمانان و بویژه مسلمانان وطنی شیفته آن شده و از فرهنگ سنتی خود بکلی بیگانه شده اند بلکه از آن متنفر شده و آشکارا به آن لعنت می فرستند. آنها از همه ابزارها و حتا از هوش مصنوعی استفاده کردند و یک جنگ شهری تمام عیار در سرتاسر ایران راه انداختند و ظرف تنها دو روز بیش از ۳۰۰۰ نفر را کشتند و ده ها میلیارد دلار خسارت وارد کردند.

لیبرالیسم و سوسیالیسم در ایران

کارکرد علم شناخت چیزها و فایده یا ضرر آنها در زندگی است. اما کارکرد **فلسفه** چگونگی بهره برداری از علم در زندگی، انجام بهتر زندگی و مدیریت امور زندگی است. بنابراین **دین** را باید در شاخه **فلسفه** ارزیابی و تحلیل و تفسیر کرد چون مربوط به موضوع بهتر زیستن و مدیریت زندگی می شود که **وجدان** در آن بسیار تعیین کننده است. تجربه تاریخی به ما نشان داده است که بشر زمانی به سعادت کامل می رسد که مدیریت زندگی اش را بر اساس **عدالت و مهرورزی** یعنی دین خدا یا سوسیالیسم الهی بنا نهد. **لیبرالیسم و یا نئولیبرالیسم** به مثابه اخلاق و سیاست مرام و شیوه درستی برای مدیریت اعم از مدیریت فردی (اخلاق) و مدیریت جمعی (سیاست) نیست. چون انسانها را از هم دور می کند. بر سر آثم که گر ز دست بر آید - دست به کاری زنم که غصه سر آید امروز غصه ظلم جهان را گرفته است - با **طرح جهانگیر پس باید جهان گرفت** با توجه به اینکه ما می توانیم دوگونه تفسیر از قرآن کریم داشته باشیم : **تفسیر لیبرالیستی و تفسیر سوسیالیستی**. شاید بتوانم تفسیر جدیدی از قرآن تحت عنوان «**تفسیر مهروداد**» یا **تفسیر جهانگیر بنویسم**. **تفسیر مهروداد** یا **تفسیر جهانگیر** یعنی **تفسیر سوسیالیستی** مبتنی بر عدالت و مهربانی : **ان الله یامر بالعدل والاحسان**. خداوند به **عدالت (داد)** و **مهربانی (مهر)** فرمان می دهد. **مهرت به اتفاق عدالت جهان گرفت - آری به مهر و داد جهان می توان گرفت**

«**جمهوری الهی جهان**»

Universal Divine Republic

iran.somee.com/din.htm